بررسی رابطه خشونت خانگی وطلاق عاطفی در میان زنان متاهل شهر تهران در سال۱۳۹۵

مریم لطیفیان: دانشجوی کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. گروه مددکاری اجتماعی.
maryamlatifian1993@gmail.com

ملیحه عرشی*: استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.گروه مددکاری اجتماعی. ma.arshi@uswr.ac.ir

فردین علی پور: استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.گروه مددکاری اجتماعی. barbodalipour@gmail.com

غلامرضا قائدامینی هارونی: استادیار مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران.
qaedamini@gmail.com

چکیده

مقدمه: شناسایی عوامل تاثیرگذار بر طلاق عاطفی با توجه به تبعات بسیار سوء این مشکل اجتماعی، می‌تواند نقش مهمی را در پیشگیری از وقوع آن بازی کند. به‌نظر می‌رسد یکی از دلایل اصلی طلاق عاطفی، پدیده خشونت خانگی علیه زنان باشد. پژوهش حاضر با هدف شناخت رابطه خشونت علیه زنان با طلاق عاطفی در بین زنان متاهل شهر تهران انجام شده است.

روش: پژوهش حاضر از نوع مطالعات پیمایشی-همبستگی (مقطعی) است که رابطه خشونت خانگی علیه زنان و طلاق عاطفی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. جامعه‌ی‌آماری این پژوهش شامل تمام زنان متاهل شهر تهران در سال ۱۳۹۵ می‌باشد. برای انتخاب زنان متاهلی که با همسر خود درحال زندگی هستند از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای (چندمرحله‌ای) استفاده شد. حجم نمونه‌ی برآورد شده ۴۰۲ نفر می‌باشد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن(۲۰۰۰) و پرسشنامه خشونت خانگی علیه زنان حاج یحیی(۲۰۰۱) استفاده شد. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها پس از جمع‌آوری آن‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ و بهره‌گیری از آزمون‌های آماری پیرسون، اسپیرمن وتحلیل رگرسیون لوجستیک انجام گردید.

نتایج: نتایج پژوهش نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین خشونت علیه زنان با طلاق عاطفی وجود دارد. و ابعاد خشونت خانگی علیه زنان بین ۴۰/۲٪ تا ۵۳/۷٪ از تغییرات واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کند. از بین متغیرهای دموگرافیک، پایگاه اقتصادی-اجتماعی با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معنادار داشته و بین سن، مدت ازدواج و تعداد فرزندان با طلاق عاطفی ارتباط معناداری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری: خشونت خانگی علیه زنان مشکلات شدیدی به خانواده تحمیل می‌کند. زنان دچار خشونت خانگی نیازمند توجه بیشتر در جهت کاهش طلاق عاطفی هستند. نتایج این مطالعه به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کار با خانواده و زنان پیشنهاد می‌کند که در برنامه‌ریزی سیاست اجتماعی و مداخلات مرتبط در حوزه سلامت، به نقش خشونت خانگی علیه زنان در طلاق عاطفی توجه نموده و از آن استفاده نمایند. این سیاست‌گذاری‌ها و تدوین مداخلات مرتبط می‌تواند به کاهش آمارهای طلاق رسمی نیز کمک کند.

واژگان کلیدی

طلاق

طلاق عاطفی

خشونت خانگی

زنان

* نویسنده مسئول
نوع مطالعه: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۲۷

نحوه استناد به مقاله: مریم لطیفیان، ملیحه عرشی، فردین علی پور و غلامرضا قائدامینی هارونی. بررسی رابطه خشونت خانگی وطلاق عاطفی در میان زنان متاهل شهر تهران در سال۱۳۹۵. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۵؛ ۵ (۲): ۱۲-۰۵

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-11]

Study on Relationship of Domestic Violence with Emotional Divorce Among Married Females in Tehran

Maryam Latifian: MA student of social work, Department of social work, University of social welfare and rehabilitation sciences, Tehran, Iran. maryamlatifian1993@gmail.com

Maliheh Arshi*: Assestance professor, Department of social work, University of social welfare and rehabilitation sciences, Tehran, Iran. ma.arshi@uswr.ac.ir

Fardin Alipour: Assestance professor, Department of social work, University of social welfare and rehabilitation sciences, Tehran, Iran. barbodalipour@gmail.com

Gholamreza Ghaedamini Harouni: Assistance professor, Social welfare management research center, University of social welfare and rehabilitation sciences, Tehran, Iran. qaedamini@gmail.com

Abstract

Introduction: Emotional divorce has negative persistent effects on victims therefore, recognizing of risk factors is very important.One of the main reasons for emotional divorce is domestic violence against women. This study is aimed to investigate the relationships between violence against women with emotional divorce among married women in Tehran.

Methods: This research is an analytical-correlation study that investigates the relationship between domestic violence against women and emotional divorce. The study population consisted married women in Tehranm Iran in 2016. Cluster sampling (multi-stage) was used for choosing married women who are living with their husbands. The estimated sample involves 402 persons. To collect data, Guttmann emotional divorce questionnaire (2000) and Hajyahya domestic violence against women questionnaire (1988) were used. Data analysis was done by SPSS22 and Pearson, Spearman, and logistic regression analysis were performed.

Results: Results showed that there is a significant positive relationship between violence against women and emotional divorce; and dimensions of domestic violence against women predict between 40.2% to 53.7% of variance changes of emotional divorce. Among the demographic variables, economic and social status had a significant positive correlation with emotional divorce; and there was no significant relationship between age, duration of marriage, and number of children with emotional divorce.

Conclusions: Domestic violence against women imposes severe problems to the family. In order to reduce emotional divorce and formal divorce, more attention is needed to women experiencing domestic violence. The results of this study suggest policy makers and planners who work with families and women to pay attention to the role of domestic violence against women, focus on emotional divorce, and use it in their social policy planning and related interventions in the health sector. The formulation of policies and related interventions can also help reduce the official divorce statistics.

Keywords

Divorce

Emotional Divorce

Domestic Violence

Females

*Corresponding Author

Study Type: Original
Received: 12 Aug 2016
Accepted: 18 Oct 2016

Please cite this article as follows: Latifian M, Arshi M, Alipour F and Ghaedamini Harouni G. Study on relationship of domestic violence with emotional divorce among married females in tehran. Quarterly journal of social work. 2016; 5 (2); 05-12

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-11]

مقدمه

خانواده به‌عنوان اولین نهاد جامعه‌پذیری در همه جوامع انسانی از ابتدای تاریخ وجود داشته و بشر تاکنون نتوانسته جایگزینی برای آن بیابد. ازدواج مبنای شکل‌گیری خانواده و قطب مخالف آن طلاق است که سبب اضمحلال آن می‌شود. (۱و ۲) طلاق فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی داشته و برای زنان نسبت به مردان اثرات منفی بیشتری دارد. کارشناسان بر این باورند که فرایند طلاق در اکثر مواقع این سیر را طی می‌کند: اختلافات جزئی، تکرار اختلافات جزئی و جدی شدن آن‌ها، جدایی یا بی‌میلی یکی از زوجین به طرف مقابل، قهرهای طولانی و تکرار آن، خستگی زوجین از قهرها و درگیری، طلاق عاطفی و طلاق قانونی. (۳)

طلاق عاطفی که مرحله قبل از طلاق رسمی می‌باشد، به‌نوعی جدایی خاموش اطلاق می‌شود که به لحاظ قانونی و شرعی اتفاق نیفتاده است و مرد و زن بنابر ملاحظاتی و به ناچار در زیر یک سقف به ظاهر زندگی می‌کنند ولیکن به دلیل شدت سردی روابط و عدم تبادل احساسات و عواطف، احساس نارضایتی همراه با ناامیدی دارند. (۴) در مورد بررسی شرایط علی و میانجی طلاق عاطفی، نتایج پژوهش باستانی، گلزاری و روشن در سال ۱۳۸۹ نشان داد که طلاق عاطفی پدیده‌ای تک عاملی نیست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل (عدم تامین نیاز عاطفی، بی‌توجهی مرد، مشکلات ارتباطی، تفکر و نگرش ناهماهنگ زن و مرد، عدم همدلی و همراهی مرد با زن و...) در پیوند با هم منجر به طلاق عاطفی می‌شوند. (۴)

اگر در گذشته درباره طلاق عاطفی و عواقب و پیامدهای آن کمتر سخن رفته شاید یکی از دلایل این باشد که تعداد موارد طلاق عاطفی به اندازه‌ی امروز نبوده است. (۵) منابع گوناگون آمارهای مختلفی ارائه می‌دهند که نمی‌توان به هیچکدام از این آمارها اطمینان کامل داشت زیرا طلاق عاطفی به‌صورت رسمی سنجیده نشده است اما در برخی منابع گفته می‌شود که طلاق عاطفی دو برابر طلاق قانونی است. (۶) بنابراین بالا بودن آمار طلاق رسمی در کشور به نوبه خود می‌تواند بر بالا بودن آمار طلاق عاطفی نیز صحه بگذارد. نگاهی به‌وضعیت طلاق در ایران نشان می‌دهد که نرخ رشد طلاق طی سال‌های اخیر سیر کاملاً صعودی داشته است. به‌طوری که میانگین طلاق در کل کشور بین سال‌های ۶۵ تا ۸۵، از ۱۰/۳٪ به ۱۱/۴٪ رسیده است و بر اساس آمار رسمی ثبت احوال کشور در نه ماهه اول سال ۱۳۸۹، نرخ طلاق نسبت به مدت مشابه در سال قبل ۷/۵٪ افزایش داشته و همچنین نسبت ازدواج به طلاق در سال ۱۳۶۵ در کل کشور ۹/۰۹ بوده است، این نسبت در سال ۱۳۸۵ به ۸/۲ و در سال ۱۳۹۲ به ۵ رسیده است. (۳، ۷و ۸)

مسائل بسیاری بر طلاق عاطفی تاثیرگذار است به‌نظر می‌رسد یکی از این مسائل خشونت خانگی باشد. خشونت علیه زنان یکی از مشکلات مهم حقوق بشر در سطح جهان به‌شمار می‌رود و مسئله عمده بهداشتی، اجتماعی و سلامت عمومی و از علل مهم مرگ و بیماری زنان در سراسر دنیا است. (۹-۱۱) آزار زنان، مشکلی با ابعاد و اندازه‌های جهانی است که مرزهای فرهنگی، جغرافیایی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی را در نوردیده است. (۱۲) خشونت علیه زنان پدیده‌ای است که در آن زن به خاطر جنسیت خود، مورد اعمال زور و تضییع حق از سوی جنس دیگر واقع می‌گردد و چنان چه این نوع رفتار در چارچوب خانواده و بین زن و شوهر باشد، از آن به خشونت خانگی تعبیر می‌شود. (۱۳)

از منظر کارکردگرایان وجود عقاید مختلف در خانواده سبب به وجود آمدن تضادهای پنهان یا آشکار می‌گردد. این تضادها ویژگی‌ها و کارکردهای مناسب خانواده را از میان می‌برد. رفع تضادهای خانوادگی با استفاده از ابزار قدرت و در مواردی از راه خشونت امکان پذیر می‌گردد. عواقب منفی اجتماعی نظیر افزایش هزینه مراقبت‌های بهداشتی به دلیل ابتلاء زن به بیماری‌های جسمی و روانی ناشی از خشونت، کاهش بهره‌وری و نیروی کار زنان از پیامدهای این معضل فرهنگی، اجتماعی و بهداشتی می‌باشد. (۱۳)

پژوهش‌های بین المللی همواره نشان داده‌اند خشونت خانگی شیوع بالایی دارد و به‌ویژه زنان بیشتر از افراد دیگر مورد اهانت، آسیب، تجاوز یا قتل توسط همسر فعلی یا سابق خود قرار می‌گیرند. تحقیق رنیسون و ولچنس نشان داد در سال۱۹۹۸، در بیش از۸۵٪ موارد همسرآزاری، طرف قربانی زن است و نتایج حدود هشتاد مطالعه در بیش از پنجاه کشور جهان بیانگر همین واقعیت است. رازقی و اسلامی(۱۳۹۴)، جاویدانی (۱۳۹۳) وسلطانیان (۱۳۹۲) هریک به‌صورت جداگانه به موضوع طلاق عاطفی پرداختند و نتایج تحقیقات آن‌ها علاوه بر شناخت بیشتر پدیده طلاق عاطفی، حاکی از وجود ارتباط میان این پدیده و بروز تعارض و خشونت در خانواده می‌باشد. جامع‌ترین مطالعه در این

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-11]

زمینه توسط سازمان بهداشت جهانی(WHO) با نمونه ۲۴۰۰۰ نفری در ده کشور، در سال۱۹۹۷ آغاز شد. یافته‌ها نشان داد خشونت علیه زنان در تمام کشورهای مورد مطالعه شایع است، گرچه تفاوت‌های بارزی بین کشورها وجود داشت. همچنین نتایج پژوهش‌های عموزاد مهدیرجی(۱۳۹۴)، ابراهیمی و بنی‌فاطمه (۱۳۹۳) و اچیدا (۱۳۹۳) نشان داد عوامل اقتصادی-اجتماعی نقش مهمی در سردی روابط بین زوجین دارد و درآمد پایین با میزان طلاق هم در مردان و هم در زنان رابطه‌ای مثبت دارد. (۱۴-۱۶)

بنابراین با توجه به عمومیت و پیامدهایی که طلاق عاطفی با خود به همراه دارد و با شناخت عواملی مانند خشونت خانگی که می‌توانند در بروز طلاق عاطفی نقش داشته باشند و آمارهای بالای پدیده‌های طلاق عاطفی و خشونت خانگی، ضرورت و اهمیت مطالعه آن روشن می‌شود چرا که با تحقیق درباره این پدیده می‌توان از وجود آن در جامعه آگاه شد، نسبت به آن شناخت پیدا کرد و و با ارتقاء سطح آگاهی مردم می‌توان در خصوص کاهش پدیده طلاق عاطفی گامی برداشت. لذا با توجه به پیامدهای نامطلوب و زیان آور خشونت‌های خانگی برای جامعه و اعضای خانواده، پژوهش حاضر به‌بررسی ابعاد این موضوع و ارتباط آن با طلاق عاطفی می‌پردازد. نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند برای دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی اجتماعی و سیاست‌گذاران اهمیت چشم‌گیری داشته باشد.

روش

این پژوهش توصیفی-تحلیلی از نوع همبستگی بوده است. جامعه‌ی آماری آن شامل تمام زنان متاهل شهر تهران در سال ۱۳۹۵ می‌باشند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول نمونه‌گیری کوکران استفاده شد و حجم نمونه‌ی برآورد شده ۴۰۲ نفر می‌باشد. برای انتخاب زنان متاهلی که با همسر خود درحال زندگی هستند از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای (چندمرحله‌ای) استفاده شد. شهر تهران به پنج بخش مرکز، شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم شد؛ با تقسیم حجم نمونه بر پنج در هر بخش تعداد هشتاد نفر در نظر گرفته شد و سپس در هر بخش دو منطقه انتخاب شد. برای گردآوری داده‌های مربوط به این گروه به درب منزل آن‌ها مراجعه شد. بدین صورت که از هر منطقه، یک محله و از هر محله، چهار بلوک انتخاب شد. داخل بلوک‌ها اقدام به انتخاب ساختمان‌ها (پلاک‌های مسکونی) و در نهایت خانوار انجام گرفت. انتخاب ساختمان‌ها عموماً بر این اساس بود که پرسشگر به ضلع جنوب شرقی بلوک مراجعه و اولین خانه را انتخاب و پرسشنامه خویش را تکمیل کرد.

از پرسشنامه‌های طلاق عاطفی گاتمن (۲۰۰۰) و خشونت خانگی علیه زنان حاج یحیی (۲۰۰۱) و چک لیست مشخصات دموگرافیک برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. بدین صورت که مجموعه آن‌ها توسط محقق در اختیار اعضای نمونه قرار گرفت و توسط آن‌ها پاسخ داده شد.

پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن: گاتمن (۲۰۰۰) این پرسشنامه را در ۲۴ گویه به شکل دو گزینه‌ای بلی(یک) یا خیر(صفر) تنظیم کرده و این پرسشنامه توسط جزایری (۱۳۸۸) ترجمه و روا و پایا شده است. (۱۷) پس از جمع کردن پاسخ‌ها، چنانچه تعداد پاسخ‌های مثبت برابر هشت و بالاتر باشد، به این معنا است که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق عاطفی در او مشهود است. پایایی کل مقیاس، با استفاده از آلفای کرونباخ،۰/۹۳ به‌دست آمد. روایی صوری این پرسشنامه با نظر متخصصان تایید شد. برای بدست آوردن روایی سازه از تحلیل عاملی به روش چرخشی واریماکس استفاده شد و بدین صورت چهار عامل شناسایی شده است: جدایی و فاصله از یکدیگر، احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراه و هم‌صحبت و احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری. مقادیر اشتراک و بارعاملی سوالات پرسشنامه نشان داد که بارعاملی همه سوالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشته، بار عاملی مقبولی دارند. (۱۸) پایایی کل مقیاس در پژوهش حاضر، با استفاده از آلفای کرونباخ (ضریب کودر ریچاردسون)، ۰/۷۸ به‌دست آمد.

پرسشنامه خشونت علیه زنان: جهت بررسی خشونت علیه زنان از پرسشنامه سنجش خشونت نسبت به زنان حاج‌یحیی (۲۰۰۱) استفاده شد، که این پرسشنامه از چند پرسشنامه دیگر از جمله پرسشنامه مقیاس تاکتیک تعارض (CTS) اشتراوس (۱۹۸۰)، پرسشنامه خشونت روانشناختی زنان تولمن (۱۹۹۰)، سنجش همسرآزاری رادنبرگ و فانتوزو (۱۹۹۵) و شاخص همسرآزاری هودسون و مک بنتاش (۱۹۸۱) اقتباس گردیده است.

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-11]

پرسشنامه سنجش خشونت علیه زنان شامل ۳۲ سوال و چهار خرده مقیاس (خشونت روانی۱۶-۱، خشونت فیزیکی۲۷-۱۷، خشونت جنسی ۳۰-۲۸ و خشونت اقتصادی ۳۱و۳۲) می‌باشد. پرسشنامه خشونت علیه زنان توسط خاقانی‌فر در دانشگاه الزهرا ترجمه شده است و اعتبار آن توسط چند تن از اساتید متخصص مورد تایید قرار گرفته و ضریب همسانی درونی با آلفای کرونباخ آن نیز با استفاده از نمونه شصت نفری ۰/۹۷ به‌دست آمده است. (۱۹) بر پایه نتایج حاصل از اولین زمینه‌یابی فلسطینی‌ها در مورد خشونت علیه زنان که در مورد ۲۴۱۰ نفر زن انجام گرفته است، ضریب همسانی درونی یا آلفای کرونباخ برای چهار عامل تست حاج‌یحیی(۲۰۰۱) به ترتیب به ۰/۷۱، ۹۳/۸۶، ۰/۰ و ۰/۹۲ به‌دست آمده است. آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش جعفریان (۱۳۹۴) ۰/۸۲ محاسبه شد. (۱۹)پایایی کل مقیاس در پژوهش حاضر، با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۹۲ به‌دست آمد.

تجزیه‌وتحلیل داده‌ها پس از جمع‌آوری آن‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ و با استفاده از روش‌های نرمال بودن توزیع متغیرها، مقایسه میانگین‌ها، تحلیل واریانس، تحلیل همبستگی و تحلیل رگرسیون لوجستیک در صورت برقراری شرایط انجام گرفته است. مجوز اخلاقی این پژوهش توسط دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی صادر گردیده و به آن کد اخلاق تعلق گرفته است. در انجام پژوهش سعی شد ملاحظات اخلاقی لازم در حین انجام پژوهش از قبیل محرمانه نگه داشتن اطلاعات، کسب رضایت آگاهانه و عدم تحمیل هرگونه آسیب و ضرر جسمی و مالی به آزمودنی‌ها رعایت گردد.

یافته‌ها

بر اساس یافته‌های این پژوهش، میانگین سن زنان متاهل ۳۳/۸ سال بوده و جوان‌ترین آن‌ها بیست سال و مسن‌ترین آن‌ها پنجاه سال داشته است. میانگین سال‌های ازدواج در پاسخگویان ۱۱/۳ بوده و کمترین آن‌ها یک سال و بیشترین آن‌ها ۳۶ سال می‌باشد. میانگین تعداد فرزندان در بین پاسخگویان ۱/۵۵ محاسبه شد وافراد دارای مدرک فوق دیپلم و لیسانس با ۴۷/۳٪ بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین درآمد ماهانه خانوار در این افراد ۲/۶۴ میلیون می‌باشد. ۳۵/۸٪ کل زنان تا کنون به‌طور جدی به طلاق فکر کرده‌اند و تعداد پانزده نفر از آن‌ها به‌دلیل اقدام قانونی برای طلاق از مطالعه کنار گذاشته شدند.

یافته‌ها حاکی از آن است که ۴۶٪ کل زنان متاهل دچار طلاق عاطفی هستند و ۵۶٪ آن‌ها طلاق عاطفی ندارند. میانگین نمره طلاق عاطفی در این افراد ۶/۷۸ و میانه آن هفت می‌باشد. در خصوص خشونت خانگی میانگین در این افراد ۱۷/۳۶ و میانه آن نیز ۱۷/۳۶ برآورد شده است. میانگین ابعاد آن نیز به تفکیک در خشونت روانی۱۱/۸۷، خشونت جسمی ۲/۷۷، خشونت جنسی۱/۳۸ و خشونت اقتصادی ۱/۳۳ می‌باشد. با در نظر گرفتن حجم نمونه بالا و نمونه‌گیری تصادفی واستفاده از آزمون کلوموگروف-اسمیروف (K-S) مشخص شد که متغیرهای اصلی پژوهش توزیع نرمال دارند. بنابراین برای بررسی رابطه ابعاد خشونت خانگی با طلاق عاطفی در زنان متاهل شهر تهران از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

نتایج به‌دست آمده در جدول شماره دو گزارش شده است و نشان می‌دهد که بین طلاق عاطفی و نمره کلی خشونت خانگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. (P<۰/۰۰۱ ،r=۰/۶۳۲) همچنین بین طلاق عاطفی و ابعاد خشونت خانگی به تفکیک رابطه مثبت و معنادار مشاهده شد، خشونت روانی (P<۰/۰۰۱ ،r=۰/۶۱۲)، خشونت فیزیکی (r=۰/۴۳۲، P<۰/۰۰۱)، خشونت جنسی (r=۰/۴۰۰ و P<۰/۰۰) و خشونت اقتصادی (r=۰/۴۶۷، P<۰/۰۰۱).

همانطور که در جدول شماره سه ملاحظه می‌شود جهت پیش‌بینی عوامل خطر و محافظ برای طلاق عاطفی به‌بررسی اثر همزمان شاخص‌های مطرح شده در بروز طلاق عاطفی پرداخته شده است. هدف محقق بررسی اثر همزمان (و نه جداگانه) شاخص‌ها می‌باشد زیرا طلاق عاطفی پدیده‌ای تک عاملی نبوده بلکه پدیده‌ای چندعاملی می‌باشد که اثر تعاملی این عوامل موجب بروز طلاق عاطفی خواهد شد. برای این منظور به‌دلیل دو مقوله‌ای بودن متغیر وابسته (وضعیت افراد: طلاق عاطفی دارند، ندارند) و همچنین وجود چند متغیر پیش‌بین همزمان از رگرسیون لوجستیک استفاده شد. برای این منظور چهار مولفه‌ی خشونت خانگی شامل خشونت روانی، خشونت فیزیکی، خشونت جنسی

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-11]

جدول(۲) ضریب همبستگی درونی متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	خشونت روانی	-					
۲	خشونت فیزیکی	۰/۵۹۶**	-				
۳	خشونت جنسی	۰/۴۷۷**	۰/۳۴۳**	-			
۴	خشونت اقتصادی	۰/۵۳۳**	۰/۳۴۸**	۰/۵۱۰**	-		
۵	خشونت خانگی (نمره‌ی کل)	۰/۹۳۹**	۰/۷۸۹**	۰/۵۹۹**	۰/۶۳۰**	-	
۶	طلاق عاطفی	۰/۶۳۶**	۰/۴۴۱**	۰/۴۰۰	۰/۴۶۷**	۰/۶۳۲**	-

**ارتباط در سطح ۰/۰۱ معنادار است. *ارتباط در سطح۰/۰۵ معنادار است.

جدول(۳) نتایج تحلیل رگرسیون لوجستیک به روش همزمان، پیش‌بینی طلاق عاطفی از طریق متغیرهای پژوهش

پیش‌بین‌ها	B	S.E.	Wald	Sig	Odds Ratio	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای Odds Ratio	
						Lower	Upper
خشونت روانی	۰/۱۷۶	۰/۰۲۹	۳۵/۷۹۶	P<۰/۰۰۱	۱/۱۹۳	۱/۱۲۶	۱/۲۶۴
خشونت فیزیکی	۰/۰۵۱	۰/۰۴۸	۱/۰۹۶	۰/۲۹۵	۱/۰۵۲	۰/۹۵۷	۱/۱۵۷
خشونت جنسی	۰/۲۴۳	۰/۰۹۳	۶/۷۸۵	۰/۰۹	۱/۲۷۵	۱/۰۶۲	۱/۵۳۱
خشونت اقتصادی	۰/۴۸۸	۰/۱۴۰	۱۲/۱۶۱	P<۰/۰۰۱	۱/۶۲۹	۱/۲۳۸	۲/۱۴۳
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۰/۳۶۲	۰/۱۵۱	۵/۷۰۵	۰/۰۱۷	۱/۴۳۶	۱/۰۶۷	۱/۹۳۱
سن	۰/۰۲۱	۰/۰۳۸	۰/۳۲۲	۰/۵۷۰	۱/۰۲۲	۰/۹۴۹	۱/۱۰۰
مدت ازدواج	-۰/۰۳۴	۰/۰۳۶	۰/۸۹۰	۰/۳۴۵	۰/۹۶۷	۰/۹۰۱	۱/۰۳۷
تعداد فرزندان	-۰/۰۵۲	۰/۱۸۵	۰/۰۸۰	۰/۷۷۸	۰/۹۴۹	۰/۶۶۰	۱/۳۴۶
مقدار ثابت	-۳/۶۳۱	۱/۰۵۲	۱۱/۹۰۵	۰/۰۱	۰/۰۲۷	-	-

جدول(۱) مشخصات دموگرافیک

متغیرهای دموگرافیک	میانگین	میانه	انحراف معیار	کم‌ترین	بیش‌ترین
سن	۳۳/۸۲	۳۳	۷/۹۱	۲۰	۵۰
مدت ازدواج	۱۱/۳۰	۱۰	۸/۴۳	۱	۳۶
تعداد فرزندان	۱/۵۵	۱	۱/۱۳	۰	۵
تعداد سال های تحصیل	۱۴/۳۳	۱۶	۳/۵۲	۵	۲۲

شامل پایگاه اقتصادی-اجتماعی، سن، مدت ازدواج وتعداد فرزنـدان به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و طلاق عاطفی به‌عنوان متغیر پاسخ در نظر گرفته شد. از مجموع متغیرهای وارد شـده به مدل، خشونت فیزیکی، سن، تعداد فرزنـدان و مـدت ازدواج از مـدل خارج شـدند و درنهایت چهـار متغیر خشـونت روانی، خشونت جنسی، خشونت اقتصادی، پایگاه اقتصادی-اجتماعـی باقی ماندند که در مجموع توانستند بین ۴۰/۸٪ تا ۵۴/۴٪ از تغیرات طلاق عاطفی در زنان متاهل شـهر تهران را تبیین نمایند.

و خشـونت اقتصادی و همچنین متغیرهای جمعیت شناختی پژوهش

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین ابعاد مختلف خشونت خانگی با طلاق عاطفی در میان زنان متاهل شهر تهران انجام شـده اسـت. یافته‌های این پژوهش وجود رابطه مثبت و معنادار بین خشونت خانگی و طلاق عاطفی را نشان داد. همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد بین طلاق عاطفی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد در حالی که بین سن، مدت ازدواج و تعداد فرزندان و طلاق عاطفی ارتباط معناداری مشاهده نشد. بین خشونت روانی، خشونت جنسی، خشونت اقتصادی و نمره کل خشونت خانگی علیه زنان با طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد و در مورد خشونت فیزیکی رابطه معنادار نمی‌باشد.

یافته‌های مربوط به معناداری ارتباط ابعاد خشـونت با طلاق عاطفی با نتایج به‌دسـت آمده از پژوهش رازقی و اسلامی (۱۳۹۴)، جاویدانی (۱۳۹۳) وسـلطانیان (۱۳۹۲) همسو است. یافته‌های پژوهش رازقی و اسلامی (۱۳۹۴) نشان می‌دهد پیامد تعارض‌های زناشـویی به درگیری لفظی و جسـمی، کاهش سـرمایه اجتماعی و نهایتا بی‌اعتنایی و طلاق عاطفی منجر خواهد شـد. جاویدانی در سال ۱۳۹۳پژوهشی انجام داد که بر اساس نتایج به‌دست آمده از آن ۳۷٪ از طلاق‌های درخواستی به‌علت خشـونت بوده‌اند. در تحقیق مذکور با توجه به نقش پررنگ خشونت‌های خانگی، ویژگی‌های زنانی که به‌علت خشـونت متقاضی طلاق بوده‌اند مورد بررسـی قرار گرفته و نتایج نشـان داده‌اند که دیدگاه زنان نسـبت به خشونت، محل سکونت، و سطح تحصیلات آن‌ها در عدم تحمل خشونت و ایجاد انگیزه در اقدام به طلاق نقش مهمی دارند. نتایج پژوهش سـلطانیان (۱۳۹۲) نشـان داد کـه متغیرهای میزان دخالت اطرافیـان، تفاوت‌های فرهنگی، تنفر و کراهت، خشونت و مشکلات روانی در رابطه با طلاق عاطفی معنی‌دار است.

یافته‌های این پژوهش با نظریه کارکردگرایی همراستا است چرا که از دیدگاه کارکردگرایان در خانواده عقاید متفاوت و متضادی وجود دارد و گاهاً رفع این تضادها از راه اعمال خشونت امکان پذیر می‌گردد. لذا به‌نظر می‌رسد ابعاد مختلف خشـونت خانگی با برهم زدن سـاختار و تعادل خانواده و ایجاد فاصله بین زن و شـوهر می‌توانند در شکل‌گیری طلاق عاطفی زوجین تاثیر گذار باشند.

یافته‌های مربوط به معناداری ارتباط پایگاه اقتصادی-اجتماعی با طلاق عاطفی با نتایج به‌دست آمده از پژوهش عموزاد مهدیرجی (۱۳۹۴) همسـو اسـت. نتایج پژوهش وی نشـان داد که سـردی روابط میان زوجین بیشتر به دلیل مشکلات

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-11]

اقتصادی و برآورده نشدن انتظارات در بین زوج‌ها می‌باشد. همچنین نتایج پژوهش ابراهیمی و بنی فاطمه در سال ۱۳۹۳ نشان داد که میزان طلاق عاطفی در بین زنان در سطح متوسط به پایین قرار دارد؛ و عواملی همچون میزان برآورده نشدن انتظارات، تفاوت عقاید و وضعیت اجتماعی-اقتصادی بر طلاق عاطفی تاثیرگذار بوده‌اند. نتایج پژوهش اچیدا و همکاران (۱۹۹۳) نشان داده است که درآمد پایین با میزان طلاق هم در مردان و هم در زنان رابطه‌ای مثبت داشته است.

بعضی از معضلات و مشکلات خانواده ریشه در رفتارهایی دارد که به دلایلی در فرهنگ ما زیاد به آن پرداخته نمی‌شود، ولی طی این تحقیق روشن شد که بسیاری از این مشکلات می‌تواند ریشه در همین واقعیت‌های پنهان خانواده داشته باشد. متاسفانه علت برخی از جدایی‌ها و روابط سرد خانواده، با اعمال خشونت علیه زنان رابطه تنگاتنگ دارد و تعداد زیادی از زنان از این مسئله شاکی هستند. لذا موضوع خشونت به سبب آمار بالا وپیامدهای آن بر خانواده و فرزندان همچنین رابطه نزدیک آن با طلاق عاطفی موضوع مهمی است که باید به آن توجه اساسی شود. از آنجا که پیشگیری بسیار موثرتر و ساده‌تر از درمان است، برای داشتن خانواده‌های سالم و بالنده و بالطبع جامعه‌ای سالم، در حوزه آسیب‌های خانواده نیز باید به رویکرد پیشگیرانه توجهی ویژه داشته باشیم. در رابطه با مسئله طلاق عاطفی، آموزش‌های پیش از ازدواج و هدایت افراد به سوی ازدواج موفق و بالنده و همچنین تداوم آموزش‌ها در طی زندگی مشترک و ترویج فرهنگ مشاوره برای چاره اندیشی زودهنگام در صورت بروز مشکل، نقش بسیار موثری در پیش‌گیری و درمان طلاق عاطفی خواهد داشت.

محدودیت ها

این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز مواجه بوده است. از جمله نبود آمار رسمی، جدید و واضح از طلاق عاطفی در کل کشور و در شهر تهران، مراجعه به درب منازل جهت تکمیل پرسشنامه‌ها بر اساس نمونه‌گیری تصادفی و عدم همکاری بسیاری از آن‌ها، انتقاد به پرسشنامه طلاق عاطفی به دلیل دو گزینه‌ای بودن آن و نداشتن طیف و همچنین کمبود پژوهش‌های انجام شده مرتبط با زمینه موضوع مورد مطالعه، محقق را در جمع‌آوری اطلاعات با محدودیت‌هایی مواجه نمود.

پیشنهادات

در پایان، این مطالعه انجام اقداماتی از قبیل آموزش به زوجین، شناسایی فاکتورهای خطرساز و زمینه ساز طلاق عاطفی و آموزش و مشاوره در مورد آن‌ها به خانواده‌ها توسط سازمان‌های مربوط و انجام پژوهش‌هایی در زمینه ساخت ابزار طلاق عاطفی برای سنجش طلاق عاطفی زنان متاهل در ایران، انجام پژوهشی دیگر با همین عنوان با ابزار جدید و مقایسه نتایج، انجام مطالعه مقایسه‌ای با دیگر شهرها، انجام پژوهش‌های تحلیلی قوی برای فراهم آوری پایه علی با توجه به یافته‌های پژوهش، انجام مطالعه کیفی و مقایسه آن با نتایج پژوهش کمی وانجام مطالعات مداخله‌ای در این زمینه را پیشنهاد می‌نماید. این مقاله برگرفته از یک پایان نامه دانشجویی می‌باشد.

منابع

References:

1.Javidani. Investigating the causes of divorce between married men and women in Hamadan Studies of female police. 2014;8(20): [persian]

2.Musai M, al e. The Relationship between Divorce and Economic-Social Variables in Iran. Btitish Journal pf Arts and Social Sciences. 2011;1(2).

3.Torkaman, Eskafi M, Eidgahian N, Sohrabi I. Homogeneity, intimacy, and emotional divorce using network analysis software; . Journal of Socio-cultural knowledge. 2014;6(1):25-50:[persian].

4.Bastani, Golzari,Rowshani. Emotional Divorce and Strategies to Face it journal of Family Research 2011;7(2):241-57: [persian].

5.Azadi, Sahami, GHahramani, poor G. Assessment of social factors underlying emotional divorce among female employees of Gachsaran oil exploitation Company Journal of Women's Health. 2010(3):[persian].

6.Salek N. Close, but too far away (emotional divorce). Journal of Social workers. 2006(68):24-41: [per-

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-11]

sian].
7.www.saalamatiran.com/Nsite/Information/. 2011.
8.Statistical Yearbooks in 1986, 1996, 2006, 2011, 2012, 2013. Retrieved from Statistical Center of Iran.
9.Diop-sidibe N, Campbell J, Becker S. Domestic violence against women in Egypt. Soc Sci Med. 2006;62(5):1260-77.
10.Faramarzi, Emamizadeh, Mousavi. Acomparison of abused and non-abused womens definitions of domestic violence and attitude to acceptance of male dominance. Eur J Obstet Gynecol Reprod Biol. 2006;122(2):225-31: [persian].
11.Maleki, Nejadsabzi. Components of social capital in relation to domestic violence against women in the family KHoramabad. Journal of Social Issues in Iran. 2011;1(2):31-53 [persian].
12.Naved RT, Azin S, BhuiyaA, Person LA. Physical violence by husbands:magnitude, disclosure and help seeking behavior of women in Bangladesh. Soc Sci Med. 2006;62(12):2917-29.
13.Aghakhani, Eftekhari, Zareie, Musavi, . Review of different kinds of Domestic Violence against Women and the impact of various factors on its incidence in women referred to the forensic medical center of Orumiyeh Journal of Forensic Medicine. 2012;18(2-3):69-78 [persian].
14.Ellsberg, Heise. Researching violence against women: A paractical guide for researchers and activitists. Washington DC,united states: World Health Organization. 2005.
15.Intimate partner violence special report. Washington:Department of Justice 2000.
16.Organization WH. WHO multi-country study on womens health and domestic violence against women, summary report of initial results on prevalence,health outcomes and womens responses. Geneva: World Health organization. 2005.
17.Gottman J. The success or failure of a marriage; Translation by ARMAGHAN JAZAYERI. Tehran, Khojasteh. 2009.
18.Musavi, zadeh R. Studying the role of attitude to love in predicting emotional divorce in men and women in Qazvin. Journal of Social Studies of women. 2015;12(3):[persian].
19.Jafarian, Fathi, Arshi. The Effect of Mens emotional intelligence on Violence against women among married couples. Knowledge &Research in Applied Psychology. 2015;16(4):76-83: [persian].

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-11]